

رهائی



سال سوم، شماره ۱۱۰

پنجشنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۶۰

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

نگاهی به برنامه مرحله‌ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی

موقتی داشتن کلیه مقامات و مسئولیتها و نهاد های دوران انتقال (ماده ۵)، شورای ملی (مقاومت) ، برای استقلال ، آزادی و جمهوری دموکراتیک اسلامی ، مرجع نهائی تصمیمگیری و اداره امور کشور طی دوران انتقال است و بر حسب اساسنامه ی خود (۴) ، اتخاذ تصمیم میکند (ماده ۶) ، ریاست کشور و جمهوری ، نظراختیارات جدید ریاست جمهوری برعهده ی آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر است که در رأس کشور و به هیچ‌جزب و گروه و جمعیت سیاسی بستگی نداشته و هرگونه تحزب تحت نام ایشان ممنوع است (ماده ۷) ، مسئولیت اینحانب (مسعود رجوی) نیز چیه بعنوان مسئول و سخنگوی رسمی شورا و جهت مقام تشکیل دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی صرفا موقتی است (ماده ۸) .

چندی پیش (*) خبرگزار بهیاری خارجی اطلاع دادند که رجوی و بنی‌صدر ، دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران را در پاریس تشکیل دادند . برآشهر محظورات دولت فرانسه در اعلام تشکیل دولت موقت در خاک فرانسه و رجوی و بنی‌صدر ، تشکیل دولت موقت را رسماً تکذیب کردند و اعلام داشتند که دولت آنها نه در تبعید بلکه پس از سرنگونی رژیم خمینی، در ایران تشکیل میشود . با اینحال اخیراً متن کامل برنامه ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی در سیزده صفحه‌ی بزرگ ، دارای سه فصل و مواد و تبصره‌های متعدد ، با امضای مسعود رجوی بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت ، مورخ ۵ مهر ۱۳۶۰ ، بدستمان رسید .

فصل اول این برنامه تحت عنوان " وضعیت موقت و وظیفه ی اساسی دوران انتقال دارای ماده ۸ است که اساسی‌ترین مواد آن بشرح زیر است :
 " موقت بودن دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی " و انتقال حاکمیت به مردم ایران (ماده ۱) ، ایجاد مجلس موسسان از طریق انتخابات آزاد (با هر گونه نظارت و تضمین مردم) برای تعیین نظام قانونی جدید و روش قانون اساسی آن (ماده ۳) ، عدم صلاحیت یادی امپریالیسم و ارتجاع و بقایای شاه و خمینی و نیروها و اجزای وفادار به آنها در صورتی که خود را بعنوان ناامزد انتخاباتی در مجلس موسسان معرفی کنند (ماده ۴) ، صرفا جنبه

فصل دوم
 این فصل به بیان نظرگاههای اساسی و خط مشی " دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی اختصاص دارد . و سر خط اساسی‌ترین سیاستهای دولت موقت ، در ۹ بخش بیان میشود که فشرده ی این بخش‌های نه‌گانه بشرح زیر است :

۱- مقاومت مشروع ملی و حراز حاکمیت مردمی برسمیت شناختن حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت

توضیح علت تأخیر در انتشار رهائی

در صفحه ۱۵

(*) این نوشته چند هفته پیش نوشته شده بود که بدنبال تاخیر انتشار بخبرایلی که در همین شماره ما شاره کردیم ، انتشار آن به تاخیر افتاد .

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

در این بخش پس از ذکر جنایات خمینی و دشمن درنده خولی که جنایاتش در تاریخ کم سابقه است و افشا، ماهیت احزاب و نیروهای چنایتکار دست راستی و فرصت طلب که مجموعاً "جنبه متحد ارتجاع" نام گرفته اند نتیجه گرفته میشود که :

۱- احراز حاکمیت مردمی از طریق دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، ارزشمندترین راهبرد مقاومت مالدانی ملت ایران است، راهبردی (که) به اعتقاد مسلمانان راستین، ارادهی خدا نیز در پهنه اجتماعی اساساً و تاریخاً از طریق آن به ظهور میرسد .

۲- هدفهای تاریخی این حاکمیت و مسیر واقعی وحدت

پس از اشاره به اینکه در روزهای قبل از قیام، توده های مردم محروم ما در مبارزه علیه دیکتاتوریت دست نشانده شاه، از شعار جمهوری اسلامی، آزادی، استقلال و عدالت و یگانگی اجتماعی را می طلبیدند "چرا که" آنها تحت رایت اسلام، انتظار جز این نداشتند. چنانکه پدر طالقانی نیز برحسب بینش اسلامی خود بر روی هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی تأکید داشت. در حالیکه خمینی در انحراف عظیم و نابخشدنی اش از مسیر وحدت بود که مجدداً تفرقه و تجزیه و بی اعتمادی در صفوف مختلف ملت را بغایت دامن زد. بنابراین انقلاب کیسیر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ما در مسیر هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی جاری است و صرفاً از طریق پیوند زدن گذشته مبارزاتی ملت ایران با آینده و بویید بخش و سازندگان متحقق میشود .

۳- نجات ارباب های اصیل و ترقیخواهان ملی و مهنی

در این بخش در آغاز "به انهدام و سرکوبارتجاع همه ارزشهای اصیل و ترقیخواهان ملی از جانب خمینی اشاره میشود که :
بارزترین نمود این حقیقت را میتوان تخفیف و توهین به پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر ممد مصدق و الگوسازی مرتجعین قهاری چون شیخ فضل الله و کاشانی که بکرات از جانب خمینی تکرار شد، با زیافت و سرانجام ننگ گرفته میشود که :
به اعتقاد مسلمانان واقعی، ایرانیت و ملی گرائی ترقیخواهانانه دقیقاً در خدمت آرمانهای رهائی بخش مردمی اسلامی است .

۴- محتوای ملی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب

در این بخش، پس از اشاره به اینکه "از فردای انقلاب ۲۲ بهمن، کلمه والا و برانگیزندهی انقلاب همچون بسیاری کلمات دیگر به بالاترین درجه توسط مرتجعین حاکم به ابتدال کشانده شد و نیز اشاره به اینکه "اساسی ترین شعارها و خواسته های عموم مردم در زمان شاه، دیر زمان خمینی نیز پراورده نگردید" اضافه میگردد که :
بنابراین، وفاداری بهمان عام ترین انتظارات تمامی ملت ایران از انقلاب ۱۳۵۷، خصوصیات انقلاب آزادی بخش و استقلال طلبانه را عیناً ملای و دموکراتیک و ضد امپریالیستی تعریف میکنیم، خصوصیات که به اعتقاد

مسلمانان راستین دقیقاً در جهت اسلام واقعی بوده و نقض عملی آنها توسط خمینی، بزرگترین جنایات ضد اسلامی او محسوب میشود .

۵- اهمیت برسمیت شناختن محتوا و خصایص ویژهی انقلاب

در این بخش گفته میشود که "برسمیت شناختن محتوا و خصوصیات دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب ایجاد میکند که . . . کلیه ضوابط یا ساختار، قوانین و مناسبات اجتماعی کمپادوری و ارتجاعی ملغی و بجای آن مناسبات نوین استقلال طلبانه و دموکراتیک مستقر گردد . . . پس در سازمان ایران فردا، نه سرمایه داری وابسته به خارجی و نه فئودالیسم جائی خواهد داشت . (۱)

۶- تضمین پیروزی انقلاب و عدم رجعت به گذشته

در این بخش می آید که :
. . . هیچ تضمین واقعی برای پیروزی انقلاب جز جهت گیری و رشد ضد استعمار وجود ندارد . . . و اینهم مبارزه توانمان سازندگی و آید تلوژیکی است . . . اما چنین مبارزهای در مسیر رشدی مستقل (ونه وابسته) در چارچوبها محاصره گشته استوار میسر است که خود اجتماعاً ملازم با اتکانه به اینوه دهقانان و کارگران محروم ایران می باشد .

۷- نظام شورائی، متکامل ترین شکل اداره امور کشور و پایداری انقلاب

در این بخش اعلام میشود که :
تضمین پیروزی نهائی انقلاب و همچنین تثبیت آزادی و استقلال پایدار کشور . . . گسترش تدریجی نظام شورائی در همه شئون و سازمان اداری کشور است

۸- مفهوم رد یکجانبه و تفسیر صرفاً سرمایه داری

در این بخش "رد یکجانبه"ی رشد و تفسیر صرفاً سرمایه داری رشد، شرح زیر توضیح داده میشود که "در دنیای سرمایه داری مرسوم است که "رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی صرفاً بر اساس پیشرفت های مادی و امار و ارقام اقتصادی ارزیابی شود . و از طرف دیگر،

"طرز تلقی رژیم خمینی از "توسعه و رشدی که آنرا بدون هیچ پایه مادی و اقتصادی در نظر میگردد، بسیار ارتجاعی و درمانده است و جز ناتوانی مضاعف (هم در قبال رشد مادی و هم در قبال رشد معنوی جامعه) را بر ملا نمی کند" و دولت در مقابل این دو نوع طرز تلقی از "رشد" و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل را پیشنهاد میکند . طرز تلقی دولت موقت، از "وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل بدین گونه است :

۹- "وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل"

در این بخش میخوانیم :
اعتقاد راسخ داریم که هدفهای برنامه ریزی مشخص تنها وقتی جامعه عمل می پوشند که برنامه در تمامیت خود طرح و اجرا شود و نه آنکه

" همچون حکم بر این رژیم خمینی هر آنچه را که صلحت روز باشد، اجرا نمود. از این احکام درست و نتیجه گیری نادرست زیرا که بعداً به آن خواهیم پرداخت) ، ارائه میشود که بنا بر این ما

هرگونه مثله کردن و ازجا معیت انداختن برنامه حاضر (برنامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی که در فصل سوم عنوان خواهد شد) را محکوم می کنیم .

فصل سوم
فصل سوم دارای ۲ بخش توضیحات فراوان و مواد و تذکرات متعدد است. این فصل تحت عنوان " مواد برنامهی مرحلهای " دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، اساس و چارچوب برنامهی " دولت موقت " را تشکیل میدهد که در زیر خلاصه ای از بخش های دوازده گانه ای آن نقل میشود . اولین بخش به بحث استقلال اختصاص دارد که دارای عمده و تذکر است. در مقدمه ای این بخش از جمله آمده است که استقلال بعنوان نخستین دین انقلاب ما " بشمار میرفت ولی بدلیل سیاستهای ارتجاعی خمینی، ما نه تنها پس از سقوط نظام سلطنتی از بسیاری جهات مستقل تر نشدیم بلکه بگفتهی رئیس جمهوری، دکتر بنی صدر، وابستگیها بطن نیز افزایش یافت . در مواد شش گانه ای این بخش، از قطع همه روابط اسارت با امپریالیستی، اعمال کامل حق خاکمیت ملی، پرچم سابع طبیعی و ثروتهای ملی بویژه نفت و خروج از تک پایدی اقتصادی . . . از طریق توسعه و رشد کشاورزی و صنایع ملی، ملی کردن تجارت خارجی، قائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره احیای صنایع ملی ((۱)) . . . در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی روستاها سخن به این میان می آید . بحث استقلال همچنین دارای سه تذکر است :

تذکر اول دولت موقت و سرط پیداری و بازار ملی، مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه گذاری را می پذیرد . مشروط بر اینکه ابعاد نامحدود و وابسته ساز . . . پیدا نکنند . در تذکر دوم پس از ارائه "تضمین" در قطع هرگونه تحمیلات دولتی و سپردن آنها به کسبه جز تولید کنندگان خرد و بکلی ممنوع کردن رسومات ارتجاعی همچون شلاق زدن کسبهی جز توسط رژیم خمینی، اضافه میشود : بدین تصویب شورای بازار و اتحادیههای صنفی، کسبهی جز را بهیچوجه نمیتوان به پرداخت وجه مالیاتی برخلاف رضایتشان وادار نمود .

" تذکر سوم استقلال و ضدیت با امپریالیسم به مفهوم ضدیت با کشورهای صنعتی در تجمیعت خارجی " قائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره احیای صنایع ملی ((۲)) . . . در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی

ظرفی، اقتصادی، فنی و هنری و فرهنگی آنها نیست، بنا بر این

" بخصوص بایستی حساب ویژه ای برای تأییدات مردمو نیروهای واقعی دموکراتیک کشورهای صنعتی باز نمود یعنی برغم سیاست عوامفریبانه و فرمالیستی خمینی، ما نمیخواهیم و نمیتوانیم از دنیا بیبرامون خود منزوی بسر ببریم " آزادی اختصاص دارد . . . در آنگاه مفهوم کلی آزادی از نظر دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی بیان میشود و اضافه میگردد: این آزادی نه یک تفنن بلکه ضرورت اجتماعی ناپذیر انقلابی از قبیل انقلاب ماست

ولیع از یکطرف
طبعاً با ولنگاری بورژوازی اساساً مغایرت دارد و از سوی دیگر در همه روابط اجتماعی و سیاسی، وفاداری و اعتقاد دموکراتیک ((۱)) را چنانچه در اعمال قهر میسازد . دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی "درخصوص آزادی

" موارد زیرین را با ایجاد امکانات اقتصادی - اجتماعی تضمین میکند : الف - آزادی کامل عقیده و بیان و منع هرگونه سانسور و تفتیش عقاید ب - آزادی کامل مطبوعات، احزاب، اجتماعات جمعیت های سیاسی و نیز اتحادیهها و انجمن ها و شوراهای سندیکاهای مختلف به استثنای احزاب و دستجات ضد انقلابی و فادان شاه و خمینی . این آزادی تا مرز قیام مسلحانه بر علیه نظام مشروع و قانونی کشور، هیچ محدودیت صوری ندارد

ج - پذیرش حق انتقاد در کلیه سطوح و مسئولیتهای کشوری و لشکری و میره د - انحلال دادگاههای نظامی و فوق العاده (چه از نوع بیدادگاههای شاه و چه از نوع محاکم ضد انقلابی خمینی) و رسیدگی به جرایم سیاسی مختلف در محاکم عادی یا حضور هیات منصفه و برخورداری متهم از هرگونه حق دفاع و انتخاب وکیل و داد رسی مجدد ه - منع هرگونه شکنجه بهر عنوان

و - امنیت قضائی و شلفی تمام احاد مردم، انحلال کمیتهها و پاسداران دیکتاتوری خمینی . در این بخش سوم مربوط است به شوراهای مردمی . در این بخش پس از تاکید بر تلاشهای پیدر پی در پی فقید در این زمینه، هدف شوراهای مردمی بدین گونه توصیف میشود :

" دولت موقت طرز کار شورائی را در دو سطح عملی خواهد نمود :

اول - شوراهای تصمیم گیرنده در زمینههای که مانند اداره امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانترا لیسم از خارج ندارد .

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید

دوم شوراهای مشورتی (که نیاز به اعمال مرکزیت و سازمانت الیسم از خارج از شورا دارد) با اختیارات کمتر که یا صرفاً نقش مشورتی داشته و یا فقط حق وتو و یا فی المثل حق لغو انتصاب است، مدبران بسیار فزاینده آن مربوطه را دارند.

" باید تذکر داد که به اعتقاد ما مسلمانان الفاء تبعیضات سیاسی و اجتماعی در میان تمام احاد ملت به هیچوجه بمناب صرقت نظر کردن از حقانیت نیست که برای اسلام محمدی قائلیم به این دلیل مبرهن روز که

"... دولت موقت اجازه نخواهد داد که شوراهای و همچنین سایر مجامع انتخابی، مصنوعی و یا اعمال خدعه و تقلب، آلت فعل هیچ گروه، حزب، سازمان و حتی دولت حاکم گردد. بخش چهارم اختصاص دارد به تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران در این بخش می آید:

" دقیقاً برخلاف خمینی... ما عمیقاً معتقدیم که شکوفائی واقعی اسلام در عدم استفاده از هیچ گونه تبعیض و امتیاز و اجبار سیاسی و اجتماعی میسر است.

بخش پنجم مربوط به "حقوق ملیت ها" است. در این بخش گفته میشود:

خود مختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخهها و متفرعات ملی و وطنمان و تأمین جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت و حاکمیت و یکپارچگی تجزیهناپذیر کل کشور ضرورت جدی دارد. باین تأکید در مورد کردستان اضافه میشود:

" اصل حاکمیت مردم ایجاب میکند که آراء عمومی کاملاً محترم شمرده شود و اضافی میگردد:

" اگر چه حقایق علمی و فلسفی هیچگاه تابع رای گیری دموکراتیک نیستند. در این بخش، بر روی تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی همه احاد ملت و لغو امتیازات جنسی و قومی و عقیدتی" تکیه میشود ولی

دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی همچنین تلاش خواهد کرد تا قومیت محلی (مثلاً کردستان) را با احقاق حقوق حقه آن، بصورت بخشی از ملی گرائی ترقیخواهانهای تمام ملیت

" با این تأکید که پنهان نمودن فرصت طلبانهی عقاید و افکار برای جلب تقلب امیز نیز به شدت محکوم است و اضافی میگردد:

ایران تثبیت نموده و آیند و را برای همیشه از تعارض با یکدیگر خارج سازد. بخش ششم به ارتش جمهوری دموکراتیک اسلامی

درباب "آزادی رای" نمایندگان مجلس

وقتی دولتی انهدام موجودیتش را به راه می بیند و با ضرب شلاق و زندان و اعدام و زندان و خلاصه دد منشا نهترین سایل در صد حفظ موجودیتش برمی آید به تناقض گوئی های فاحش می افتد. این تناقض گوئی ها ابعاد وسیعی را در بر میگردد و اجتناب از حراقی خود وسیلهای است برای تناقض نگفتن. ما در زیر به یک نمونه کاملاً آشکارا مشتی از خوارها از این تناقضات که به عیان هر دو در پیکر روزنامه حتی در یک صفحه از روزنامه جمهوری اسلامی، این ارگان سیاه دلان فاشیست جمهوری اسلامی، چاپ شده اند اشاره می کنیم. غالب توجه بین است که این در افشانهها از جانب دو تن از کسانی که خمینی مفتخر ا ادعای بزرگ کرد نشان را دارد صورت گرفته است.

رای العین می بیند و با ضرب شلاق و زندان و اعدام و زندان و خلاصه دد منشا نهترین سایل در صد حفظ موجودیتش برمی آید به تناقض گوئی های فاحش می افتد. این تناقض گوئی ها ابعاد وسیعی را در بر میگردد و اجتناب از حراقی خود وسیلهای است برای تناقض نگفتن. ما در زیر به یک نمونه کاملاً آشکارا مشتی از خوارها از این تناقضات که به عیان هر دو در پیکر روزنامه حتی در یک صفحه از روزنامه جمهوری اسلامی، این ارگان سیاه دلان فاشیست جمهوری اسلامی، چاپ شده اند اشاره می کنیم. غالب توجه بین است که این در افشانهها از جانب دو تن از کسانی که خمینی مفتخر ا ادعای بزرگ کرد نشان را دارد صورت گرفته است.

رفسنجانی، مرد شماره ۱ دو و جمهوری اسلامی، جانی خوش خطو خالی که از انقلابیون سوی کینهی طبقاتی کینهی شخصی چند سالیه نیز دارد در خطبه بی سر و ته دو نماز جمعه اول ابان ما فاش میگردد: من می بینم که بعضی از اعضای حزب جمهوری (به ولایتی) رای مخالف دادند، یعنی نوبی حزب ما به عضو حزب نمیگوشیم که شما هر چه در بیرون حزب میگوید و یا شورای حزب گفت (بگوئید))، از آزاد، مملکت آزادی (است))، بسیاری از این نمایندگان که با اعلامیه های حزب جمهوری و حمایت



و تجدید سازمان مردمی ارتش بمنظور جدی ترین ضرورت‌های بقا کشور و تکمیل انقلاب اختصاصی دارد. و این تجدید سازمان پیوسته در جنبه‌های خواسته‌های پرسنل ملی و مردمی ارتش نیز بود ماست.

۱- قطع هر گونه واردات خارجی در امر کشاورزی و دامپروری برای تشویق تولید داخلی مگر به منظور تامین کسر تولیدات داخلی برنامه دولت موقت در بخش هشتم خود، در نه ماده به حقوق کارگران می‌پردازد و اظهار می‌دارد که:

"دولت موقت، نکات زیر را رعایت خواهد نمود:

الف - لغو کلیه مقررات ضد کارگری ب - سهم کردن کارگران در اداره کلیه صندوق‌ها و بانکهای مختلف کارگری و حتی المقدور سپردن این مراکز به خود آنها ج - برسمیت شناختن حق اعتصاب و هرگونه اعتراض سالم‌ت‌آمیز دیگر با اعلام قبلی

د - لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران و تامین تدبیرهای هزینه‌های ضروری نظیر بیمه و بازنشستگی ه - لغو کلیه مطالبات پیشین از کارگران محروم در کلیه زمینه‌ها و تلاش برای تامین مسکن، حمل و نقل، بهداشت برای همه کارگران و تهیه (غیر مجانی) شیرخوارگاه و کودکان برای فرزندان آنها و حق تقدم تحصیل مجانی در دانشگاه و مدارس عالی

ز - افزایش تصاعدی حق‌السهم کارگران از سود کارخانجات نسبت به افزایش سود کل ((کارفرما))

ح - تامین آموزش حرفه‌ای و فنی برای کارگران غیر متخصص

بخش نهم برنامه به آموزش، تحصیلات عالی و فرهنگ اختصاص می‌یابد. در این بخش به شرح زیر از شرح جنابای خمینی و خصوصیت او با فرهنگ ملی تحصیلات عالی و دانشگاه‌های کشور که اثر خصوصیت با ساواک شاه بیشتر بود، اظهار می‌شود:

"به اعتقاد ما مسلمانان، عظمت ترین زیان خمینی متوجه فرهنگ گراستین اسلام محمدی و علوی شد فاست که با بیستی با ترویج حقایق اسلام انقلابی، هر چه زود تر آثار ویرانگر جنایت خمینی را در میان مسلمانان جهان پیویزه ایران زده بود. دولت موقت در زمینه آموزش، تحصیلات عالی و فرهنگ، فعلا موارد زیرین را بر عهده می‌گیرد: الف - استقلال کامل دانشگاهها و مدارس عالی و ادارای آنها تحت نظر شورای دانشگاهها

ب - تلاش برای ریشه‌کنی بیسوادی و آثار جاهلیت گسترده رژیمهای شاه و خمینی ج - خارج کردن سازمان و تاسیسات ورزشی کشور از یک وضعیت لوکس برای اشاعه دسته بقیه در صفحه ۹

"مهمترین خصوصیات ارتش جمهوری دموکراتیک اسلامی به قرار زیر است: الف - انضباط پولادین آن آگاهانه است و نه کورکورانه

ب - روابط درونی آن در عین حفظ سلسله مراتب دموکراتیک است.

ج - در ارتباط با اقدار مختلف مردم قرار دارد و ضمن بر عهده داشتن آموزش نظامی تمام مردم، خود نیز حتی المقدور در مبارزه تولیدی و سازندگی کشور شرکت میکند.

د - سطح دانش و کارآئی نظامی و سیاسی خود را پیوسته از طریق دانشکده‌ها و اساتید نظامی خود بالا میبرد.

ه - برای قطع وابستگی تسلیحاتی تا سرحد امکان فنون و صنایع نظامی داخلی را تا مرز خود کفائی دفاعی کشور افزایش میدهد. بخش هفتم مربوط است به سیاست ارضی و مسائل روستائی، که نخستین قدم عاجل برای نجات کشاورزی، یک اصلاحات ارضی ریشه‌ای است. در این رابطه، مضمون عمل ما بطور اصولی این خواهد بود که زمین متعلق به کسی است که روی آن کشت میکند. در موارد اساسی این بخش در ده ماده شرح زیر ذکر شده است:

الف - تامین حداقل تکنولوژی و وامهای بدون بهره برای دهقانان نیازمند و تامین آب کافی و تصحیح نظام آبیاری

ب - گسترش سطح زمین‌های زیر کشت و احیا و فعال نمودن اراضی قابل کشت در سراسر کشور

ج - توسعه اشکال دستجمعی بهره‌برداری از زمین ... مشروط بر توافق اختیاری دهقانان ...

د - ایجاد تعاونی‌های دهقانی و تقویت روحیه جمعی و شورائی کشاورزی

ه - صرف نظر کردن از دیون دهقانان تهدیدست به مراجع دولتی و مالگان بزرگ و رباخواران و لغو مالیات امور زراعی آنها

و - تربیت کادرهای آموزشی و معلمین کشاورزی و تعیین سمت ایندهی تکامل سازمان کشاورزی بطور دستجمعی

ز - سازمان دادن کارگاههای کوچک روستائی برای جذب بیگاران روستائی و بکار انداختن همه نیروهای مولد روستا

ح - تامین مسکن برای روستائیان از طریق ایجاد شرکت‌های مناسب روستائی با خدما ضروری به منظور ممانعت هرچه بیشتر مهاجرت به شهرها. در همین رابطه، گسترش صنایع سیمان و اجراسازی - تاکید بر بیمه و درمان روستائی و گسترش شبکه گاز و برق و راه‌آهن و ایجاد مهای ارتباطی در نواحی روستائی

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه‌دار

نگاهی به . . .

بقیه از صفحه ۵

جمعی وسراسری ورزش . . .
 د - حفاظت از آثار باستانی موزه‌ها و
 موارث تاریخی
 ه - ترویج ادبیات و هنر واقعه‌ها ، مستقل
 و مردمی
 و - جذب مغزها و هموطنان متخصص در
 خارج و داخل کشور و عوت از آنها برای خدمت
 به مردم میهن شان . . .
 بخشی دهمه برای سیاسی - اجتماع - زن
 و مرد اختصاص دارد .
 " دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران بر
 تلاش به منظور تامین کامل حقوق تمامی زنان
 کشور و دفاع از هر عدالتی و مساوی و محبت و دیت
 بهر هکسانه‌ی طبقاتی ، تاکید میکند " .
 و اضافه میکند که :

" برخورداری از حقوق سیاسی و اقتصادی
 و اجتماعی مساوی ، برخورداری از دستمزدهای
 برابر ، کار مساوی با مردان ، برخورداری
 از امتیازات ویژه‌ی زنان در حین کار
 و معتر از همسرهای از ستم تاریک ارتجاعی
 و تلقی کالای سرمایه‌داری از خصوصیات
 این عصر جدید رهائی است .
 بخش یازدهم مربوط است به تامین رفاه اجتماعی .
 در این بخش پس از اشاره به اینکه
 برخلاف رژیم ارتجاعی خمینی ، دولت موقت
 جمهوری دموکراتیک اسلامی بر این نیست که
 مردم انقلاب کردند تا از هیچگونه رفاه و
 تامین اجتماعی برخوردار نباشند
 عکس ، به اعتقاد ما تامین اجتماعی نیاز -
 های لازم مادی ، خود ضرورت شیوه‌ای نیا زها
 و انگیزه‌های متعالی است

اضافه میشود که دولت موقت جمهوری دموکراتیک
 اسلامی " بهر حال در این رابطه برای دستیابی
 به موارد زیرین تلاش خواهد کرد .
 الف - مبار کردن هر گونه هرج و مرج و عوامل
 مخلل آسایش و امنیت اجتماعی
 ب - ملی کردن طب و بهداشت عمومی و به
 خصوصی گسترش شبکه‌ی بهداشتی و روستایی
 ج - گسترش بیمه‌های سراسری در رشته‌های
 مختلف (بخصوص بیمه‌های بازگارفه‌دگی و
 بازنشستگی)
 د - به حداقل رسانیدن مالیاتهای غیر مستقیم
 بروی کالاهای اساسی مورد نیاز توده‌ی مردم
 و افزایش اینگونه مالیاتها بروی مصرف
 لوکس
 ه - لغو کلیه‌ی مطالبات کمر شکن رژیمهای
 پیشین از اقشار کم درآمد

و تامین معیشت ، مسکن و تحصیلات کارمندان
 جزه دولت و سایر خصوصی و فرزندانشان
 بخصوص آموزگاران و دبیران و معلمان
 مختلف آنان به مراجع ولتی

ز - ارتقا کیفی سطح تغذیه عمومی به
 مصرف پروتئین بخصوص برای کودکان و اقشار
 کم درآمد .
 آخرین بخش برنامه‌ی دولت موقت " در مورد
 سیاست خارجی است ، در این بخش گفته میشود :
 " سیاست خارجی دولت موقت جمهوری دموکراتیک
 اسلامی ایران بر مبنای استقلال و عدم مصلحت و
 کنار گرفتن زهمه‌ی بیگانگیهای سیاسی و
 نظامی استعماری و حفاظت از منافذ و
 آب و خاک ملی (تاکید از متن برنامه است) از
 اصول زیرین پیروی میکند :

- الف - عدم دخالت در امور داخلی سایرین
 و ممانعت از دخالت دیگران در امور داخلی
 کشور
- ب - همزیستی ، صلح و همکاری‌های بین‌المللی
- ج - احترام به منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی
 حقوق بشر
- د - محکوم کردن همه‌ی سیاستها و خط مشی‌های
 نژاد پرستانه و فاشیستی
- ه - حمایت از تمامی جنبش‌های آزادی بخش ضد -
 استبدادی ، ضد استعماری و ضد استعمار
 سراسر جهان .



قبل از بررسی " برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت جمهوری
 دموکراتیک اسلامی " لازمستیک نکته‌ها تذکر کنیم .
 اختصاصاً در این چند صفحه‌ی نشریه به خلاصه‌ی نسبتاً
 جامع و کامل از این برنامه‌ی عمدتاً تدوین زیر صورت گرفت
 ۱ - بخاطر وجود جو خفتناق و سرکوب وحشیانه‌ی
 رژیم خمینی ، این برنامه‌ی مدت تعداد محدودی از
 افراد و شاید عمدتاً بدست سازمانهای سیاسی
 رسید است و در نتیجه لا زهمه‌ی خودخوانندگان
 با مقدار چنین برنامه‌ی کم‌بیش آشنا نشی داشته
 باشند . شاید می‌بایست متن کامل آنرا منتشر کنیم
 چرا که این برنامه‌ی سند مهمی است که در این سنده
 بد فعات مورد مراجعه و استفا ده قرار خواهد گرفت
 ولی متأسفانه به علت محدود بودن صفحات نشریه قادر
 به انجام اینکار نیستیم .
 ۲ - قبل از نقد و بررسی این برنامه ، حداقل چاپ
 خلاصه‌ی آن مفاد آن را زهمه ، چرا که در دست
 داشت همین خلاصه (نسبتاً جامع و کامل) از آن ، هم
 کار بررسی کنند و هم کارخوانند قرآنسان تر
 میکند . و در واقع نمیشد برنامه‌ی را مورد نقد و
 بررسی قرار داد که افراد معدودی احتیالاً آنرا
 دیدند و یا حتی بسیاری از وجود آن اطلاع
 ندارند .

با ذکر این مقدمه ، اکنون به اختصار به بررسی
 " برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک
 اسلامی " می‌پردازیم و نکاتی چند را متذکر میشویم :
 اولین نکته‌ای که در باره‌ی این برنامه‌ی
 " مرحله‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی " ←

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

"دولت موقت" نیست، د ولتی که عمر آن، علی الاصول از چند ماه (فاصله‌ی بین سرنگونی رژیم قلمی و استقرار دولت جدید و پیمان کار مجلس موسسان) تجاوز نمیکند. این برنامه‌ی مرحله‌ی بطوریکه ملاحظه شد، برنامه یک دولت دائمی است که تحقق "برنامه‌ی مرحله‌ی آن (بطوریکه ملاحظه میشود)، چندین و چند سال وقت لازم دارد چرا که احراز واقعی بسیاری از مواد این "برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت، چندین و چند سال بطول خواهد انجامید.

در اینحال، با قبول فرض جانشینی "دولت موقت" بحای رژیم کمونی، مسئله از د وحالت زیر بیرون نیست.

۱- یا در طرف چند ماه پس از سرنگونی رژیم حمیدی "دولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی" برای "انتقال حاکمیت به مردم ایران"، "مجلس موسسان" را از طریق انتخابات آزاد (باهر گونه نظارت و تضمین مردم) تشکیل خواهد داد. نمایندگان مردم در این مجلس، نام مشکل و محتوای نظام قانونی جدید را تعیین خواهند کرد. پس از خاتمه کار مجلس موسسان و پس از انتخابات و استقرار سادات هان قانونی جدید، وظیفه‌ی دولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی نیز خاتمه خواهد یافت و برپایی با نام مشکل و محتوای جدید (نه لزوماً بسا نام مورد اعتراض "دولت موقت")، بروی کار خواهد آمد و برنامه‌ی خود (بجز "برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت") را به مرحله‌ی احراز خواهد گذاشت (و از هم اکنون هیچ کس نمیتواند با قطعیت پیش بینی کند که دولت موقت و برنامه‌ی مرحله‌ی آن، چنانچه و دقیقاً در دولت بعدی و قانون اساسی جدید، متطور خواهد شد).

۲- یا "دولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی" قانند رژیم حمیدی بران حفظ نام مشکل و محتوای رژیم مورد نظر خود، بهر وسیله‌ی ممکن و متصور متوسل خواهد شد و چه بسا مجلس موسسانی هم در کار باشد. در اینجا، البته "دولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی" معاند "برنامه‌ی مرحله‌ی یا برنامه‌ی تازه‌ی" را به مورد احراز در آورد. (۲)

● در برنامه‌ی دولت موقت "انحلال ارتش ضد خلفی و تشکیل ارتش فدائی" که خواهد بود در گذشته گفته شد به آن حسابیت نشان میدادند، صحبتی در میان سبب و حای آن را "تجدید سازمان ارتش سخن گفته میشود. نکته مهمتر این است که اگر چه در مورد تدبیر ارتش از سرسیردگان رژیم حمیدی (که تعدادشان زیاد نیست) توسط مجاهدین حسینحانه حادث گزافی وجود ندارد، ولی در سطح گدای برنامه، در مورد تصفیه ارتش از سرسیردگان شاه اشاراتی میشود.

● مجاهدین که پس از قبول "مبتدای بنی‌صدر" اکنون به برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت "رسید مانند، کامهای اساسی و مهمی محلو بردارند که قابل تحسین است. این برنامه، صدها بار از برنامه فوق ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد مردمی خمینی و دها بار از برنامه‌ی ضد انقلابی (ضد کارگری) بنی‌صدر، مترقی‌تر است. هر چند که دشمنان اش برنامه‌ی باشند غیر واقعی، غیر قابل تحقیق و در یک کلمه تحلیلی (در این باره بعداً توضیح

میتوان عنوان کرد نیست که علی الاصول، به یک دولت موقت که قدرت را بدست میگیرد، همانطوریکه در فصل اول "برنامه" نیز دیدیم، وضعیت موقت دارد، وظیفه‌ی آن "انتقال حاکمیت به مردم ایران" است و رسالت چنین دولتی، علی القاعده، پس از تشکیل "مجلس موسسان" تعیین نظام قانونی جدید و روشن قانون اساسی آن "خاتمه‌ی باید. بنا براین، چنین دولت موقتی به برنامه‌ی انجمن پوپول و تقسیم نیاز ندارد چرا که این دولت، عهد مدار یک وظیفه‌ی موقت است و پس از انجام آن، کنار میرود.

اما یک نوع دولت موقت دیگر هم داریم که مانند "دولت موقت جمهوری اسلامی" خمینی و کمپو بیش با همان وعد‌های مذکور در فوق تشکیل میشود و در پیرومهای که دیدیم به رژیم مغرور جمهوری اسلامی تبدیل میگردد. بهر حال با وجود جتان سابقه‌ی شوم و هنوز از خاطرها نرفته، بحسب میتوان از "دولت موقت جمهوری د موکراتیک اسلامی" سؤال کرد که اگر قرار است مجلس موسسان، از طریق انتخابات آزاد (باهر گونه نظارت و تضمین مردم) بران تعیین نظام قانونی جدید و روش قانون اساسی آن تشکیل شود، پس معنای این "برنامه‌ی مرحله‌ی" (و در واقع دراز مدت) چیست؟ برنامه‌ی که خلاصه‌ی نسبتاً جامع و کامل انجمن در صفحات قبل نقل کردیم، اید این برنامه‌ی یک

تک...

بقیه ارضه‌ی

میدانند. در ادامه‌ی مطعی همین اعتقاد، حدود کیا نوری مینویسد:

انجمن مرزود برابر همه‌ی نیروهای کسه طرفدار آزادی و دموکراسی هستند قرار گرفته براند احضار استبداد محمد رضا ماست. انجام این سرترین وظیفه‌ی همه‌ی طرفداران آزادی و دموکراسی است و آنها مینویسند در این زمینه با همه‌ی مخالفین رژیم کمونی حتی از میان طبقات حاکم همکاری نمایند" (تاکید از ماست ویژه‌نامه‌ی دنیاه مناسبت "۳۵ سال حرب توده‌ی ایران"، شماره‌ی ۵، مرداد ۱۳۵۵ صفحه ۱۱۰)

صرفنظر از لحن تند، تسحری که تمام جوانندگان سطوری قوی برای مدح آزادی و دموکراسی توسط آقای کیا سوری میتوانند بر لب آورند، باید گفت که با وجود چنین توجیهی به "محافل" درون طبقات حاکمه‌ی سابق، و علاقه‌ی حزب توده به جناح واقع بنی در درون رژیمشاه (که اکنون نیز ادا مسمعی منطقی خود را در جستجو برای یافتن جناح واقع بین در درون رژیم خمینی می‌یابد) با ورا بشکایت آسکندری واقعاً در یک ما موریت حزبی برای داستی مزی دها ن آقای امینی و احتمالاً گذاشتن قول و قرارهایی برای آینده‌ی بدون جمهوری اسلامی نبود ماست، اگر نه غیر ممکن، بسیار مشکل است. تمام تلاش کیا نوری نیز به منظور رفع شبهه‌ها ز دهن سرد مداران رژیم جمهوری اسلامی است؛ آسکندری نمایندگی حزب نیست، شما فعالان لای سوسیالیستی را بخرید.

خواهیم داد) .
 برنامه‌های رژیم خمینی، برنامه‌های خرد شده بورژوازی
 مرتجع را قبل سرمایه‌داری، ضد انقلابی (ضد
 کارگری) و ضد مردمی است. "میثاق" مرحوم
 بنی صدر، برنامه‌های بورژوازی مفلوک و بی‌هویت
 ایرانی، "آیضا" ضد انقلابی (ضد کارگری) و بالعابی
 از دموکراسی بود. و برنامه‌های مرحله‌ای دولت
 موقت، از نظر رهنمایی دموکراتیک (بورژوازی)
 و از نظر زیربنایی خرد بورژوازی و غیر انقلابی
 (غیر کارگری) است و با این همه، در شرایط
 کنونی، در شرایطی که انقلاب سوسیالیستی هنوز
 امکان تحقق بی‌واسطه ندارد از آن میتوان بعنوان
 یک برنامه‌های موقتی نام برد. تکیه اساسی
 برنامه‌های مرحله‌ای دولت موقت علاوه بر سرمایه
 داری و بازاریابی ("!)، عمدتاً بر روی دهقانان،
 کسبه، جز، کارمندان و سایر اقشار خرد
 بورژوازی سنتی و وجدی است و کم توجهی چشمگیر
 آن نسبت به کارگران توجه هرخوا نند، عایدی را نیز
 بخود جلب میکند که بعداً به آن خواهیم پرداخت
 ولی قبل از پرداختن به اینها، اساسی (زیست
 بنایی) "برنامه‌های مرحله‌ای دولت موقت" تذکرو
 تاکید بروی چند نکته لازم است:

- ۱ - گفتیم و تکرار میکنیم که این برنامه در مقام
 مقایسه با "میثاق"، یک گام مثبت و مهم به جلو
 است.
- ۲ - این برنامه، در شرایط کنونی، یک برنامه
 موقتی است.
- ۳ - برخورد انتقادی کمونیستها با این برنامه‌ها
 هر برنامه‌های موقتی دیگر، به دلیل اینکه یک برنامه
 غیر انقلابی (غیر کارگری) است، نه مخالف است
 غیر اصولی و غیر دگم‌گرا، بلکه برخوردی سازنده
 است و سبب شدن در رفع کاستی‌ها، نادرستی‌ها
 و خیالها فیما بین ما حتی وقتی که معتقدیم این
 برنامه در شکل کنونی اش غیر واقعی، غیر قابل
 تحقق و در یک کلمه، تخیلی است (چرا پس را
 بعداً توضیح میدهیم)، معنایش مخالفت کامل با آن
 یا ایمی باس خواندن نیست بلکه همان برخورد
 انتقادی سازنده و همان ادای سبهد رفع کاستی
 ها، نادرستی‌ها و خیال بافی‌ها را دنبال میکنیم.
 بنابراین، صرف نظر از اینکه "برنامه‌های
 مرحله‌ای در شکل کنونی اش تا چه حد در عمل به
 مورد اجرا، در آید و یا اصولاً تا چه حد قابل اجرا باشد
 کمونیستها در مقابل چنین برنامه‌های نخبه‌ها
 ایستاد ولی با این همه وظیفه دارند، بی‌انگیزه
 دوی زده شده و در چارخیالهایی گردند، از ایجاد
 توهمات جدید جلوگیری کنند. چنانچه امر مورد پسند
 نویسندگان برنامه‌های مرحله‌ای باشد و چنانچه
 محکوم کنند. (۳)

ضد کارگری شاه و خمینی، به مراتب موقتی‌تر است
 ولی چیزی بیش از حقوق کارگران، در کشورهای
 بورژوازی اروپائی را در بر ندارد. علاوه بر رد
 سرمایه‌داری وابسته به خارجی، به پذیرش سرمایه
 داری و بازاریابی ("!)، مالکیت شخصی و خصوصی و
 سرمایه‌گذاری فردی، "اولویت قابل شدن برای
 کشاورزی"، "احیای صنایع ملی" (احیای صنایع
 صنایع ملی؟ احیای صنایع کوچک ما قبل سرمایه‌داری؟)
 "توجهات کثیف به رشد صنایع کوچک و متوسط بورژوازه
 در حوالی روستاها"، از جمله اساسی‌ترین چشم
 اندازهای اقتصادی این برنامه بشمار میرود.
 از طرف دیگر ابعاد تضاد فئودالیست که در برنامه
 همه جا از دهقانان قبل از کارگران نام برده میشود.
 از این گذشته، بیشترین توجه برنامه نسبت به
 اقشار مختلف خرد بورژوازی (در مقام مقایسه
 با کارگران)، در بسیاری از مواد برنامه به چشم
 میخورد و بعنوان مثال میتوان دو نمونه زیر را
 ذکر کرد:

۱- فصل سوم، بخش هفتم میگوید:
 "تأمین مسکن برای روستا نشینان از طریق
 ایجاد شرکت‌های مناسب روستائی با خدمات
 ضروری . . ."

یا در فصل سوم، بخش یازدهم میخوانیم:
 "تأمین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان
 جز، دولتی و دوایر خصوصی و فرزندان ایشان
 بخصوص آموزگاران و دبیران" و "کشف و دیون
 مختلف آنان به مراجع دولتی
 چه کسی میتواند با "تأمین مسکن روستا نشینان"
 و "تأمین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان
 جز" دولتی و دوایر خصوصی و فرزندان ایشان بخصوص
 آموزگاران و دبیران . . . مخالف باشد؟ فقط تمام
 حرف در این جا است: وقتی که (در فصل سوم،
 بخش هشتم) نسبت به کارگران میرسد، "تأمین
 مسکن و غیره فقط به تلاش برای تأمین مسکن تقلیل
 میابد."

۲- در بخش اول، و دهم از فصل سوم، شورای بازاری
 و شورای دانشگاهها مطرح میشود. از شورای بازاری
 که بگذریم، چه کسی میتواند با "شورای دانشگاهها"
 مخالف باشد؟ "استقلال دانشگاهها" و "اداری
 دانشگاهها" توسط شورای آنها، "یک رفورم
 بورژوازی است و در غالب کشورهای غربی مورد عمل است.
 البته ما برخلاف خشک اندیشان مارکسیست ابتدا
 معتقد نیستیم که چون این رفورم اساساً بورژوازی
 است پس کمونیستها باید با آن مخالفت کنند. بلکه
 برعکس، از اینکه "شورای دانشگاهها" در برنامه دولت
 موقت برسمیت شناخته شده از آن استقبال میکنیم
 حرف ما فقط نشان دادن اولویت در برنامه‌های دولت
 موقت، به بورژوازی و خرد بورژوازی است و کم توجهی
 به کارگران. وقتی در برنامه‌های شورای بازاری یعنی
 به شورای سرمایه‌داران رسمیت بخشیده میشود، ما
 حتی داریم سؤال کنیم چرا سرمایه‌داری دولت
 موقت، "اشاره‌ای به شوراهای کارگری ندارد و در
 مقابل حتی تعیین میزان مالیات بازاریان به
 رضایت شورا آنها موکل میشود."
 در همین جا، در رابطه با شوراهای یکنکته دیگر
 نیز قابل ذکر است: در بخش ششم فصل اول برنامه

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

از نظام شورایی بعنوان "متکاملترین شکلی اداره امور کشور و یاد آری انقلاب" صحبت میشود ولی همین متکاملترین... در بخش سوم، فصل سوم تحت عنوان "شوراهای مردمی" چنان رقیق میشود که به چیز کم خاصیتی مبدل میگردد. و در اینجا با تقسیم شوراهای شوراهای تصمیم گیرنده و شوراهای مشورتی، دیگر چیز زیادی از نظام شورایی باقی نمی ماند. و عملاً شوراهای به وسیله ای در دست دولت مبدل میگردد که با این انتصابات "مدیران" کارخانه ها و فرماندهان ارتش توسط دولت را تصویب کند. در این بخش اعلام میشود که "شوراهای تصمیم گیرنده مانند اداره امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانترالیسم از خارج از شوراهای آنها ندارد" که این چیز جز همان شوراهای ایالتی و ولایتی مندرج در متمم قانون اساسی سال ۱۹۰۷ نیست. اما بقیه "شوراهای" یا "مشورتی" هستند (و مشاوره ای الامر) که نیازی به اعمال مرکزیت و سانترالیسم از خارج شوراهای آنها ندارند یا شوراهائی با اختیار کمتر یا صرفاً مشورتی و غیره.

طلبان نه عقاید یا فکر" (فصل سوم بخش چهارم) که در این زفتیش عقاید معلوم نیست و غیره. برنا میگوید دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی از نظر روشنائی بویژه در زمینه حقوق آزاد بیهی دموکراتیک بر برنا میگوید انقلاب دموکراتیک (بسی روزها - دموکراتیک) شباهت دارد - با این تفاوت که دو اصل اساسی انقلابهای دموکراتیک اروپائی در آن غایب است یکی اصل جدائی دین از دولت و دیگری اصل جدائی مدرسه و کلیسا (مسجد). برنا میگوید دولت موقت بدلیل اینکه میداند اینها تنها این دو اصل اساسی را نادیده گرفته بلکه بطور ضمنی آنها را تا پدید میکند. از این دو نکته بسیار مهم که در واقع گذشتنی هم نیست که بگذریم، سایر اصول دموکراتیک انقلابهای سیاسی مترقی در آن مندرج است که در شرایط کنونی نمیتواند مورد استفاد باشد. کمونیستها قرار گیرد چرا که در مقابل حکومت قرون وسطائی دین سالاری، یک گام مهم سیاسی به پیش است.

● بطوریکه گفتیم با اینکه در برنا می "دولت موقت" بیشترین توجه معطوف به بورژوازی و اقلیت مختلف خرد بورژوازی (از جمله دهقانان) است با اینحال برنا می سیاست ررضی و مسائل روستائی (بخش هفتم، فصل سوم) دارای ابهامات و ناروشنی های فراوان است. در سیاست ررضی و مسائل روستائی و در هیچ جای برنا می مرحله ای در مورد مصادره زمین های زمینداران بزرگ صحبتی به میان نمی آید و معلوم نیست که در اینحال، "اصلاحات" ررضی ریشهای چگونه میتواند تحقق یابد. این برنا می خود را به یک شعار رنگی و غیر صریح محدود میکند: "زمین متعلق به کسی است که بروی آن کشت میکند". اگر فرض کنیم منظور تلویحی (نه صریح) آن اینست زمین متعلق به دهقانان است که روی زمینهای زمینداران بزرگ کار میکنند، در اینحال نیز وضع دهقانان کم زمین و خوش نشینان، مهاجران و راهزنی روستائی در شهرها همچنان نامعلوم است. در این برنا می هیچ صریحی برای این سؤال نمی یابیم و شاید بتوان حدس زد که یکی از مواد همین بخش هفتم نظر بر احوال آنها باشد که میگوید:

ولی باز بدون اینکه بخواهیم آیه ای سیاسی بخواهیم یا بدون اینکه بخواهیم مجاهدین را در هیچ زمینهای باوجود فوق مرتجعی مانند خمینی مقایسه کنیم، ناگزیر به مقایسه ایم. خمینی قبلاً از انقلاب سیاسی بهمن ۵۷، در بیانیهها و سخنرانیها و مصاحبههای متعدد در خود، بارها هر چند با لحنی عامیانه و عابثانه میسند و نه با عبارات سنجیده می برنا می "دولت موقت"، کم و بیش احترام به تمام این حقوق آزاد بیهی دموکراتیک را بعد داد. بود آیا واقعاً خمینی در همانوقت صرفاً یک شیاد بود و تمام آن وعدهها فقط یک "تاکتیک" ریاکارانه بود؟ بگمانم تنها چنین نیست. تعالیم آنها را که خمینی در این ایام وعده داد الزاماً فریب و دروغ و نیرنگ نبود و شاید خمینی تا بهشت زهرا هنوز تشکیل مجلس موسسان را ضروری میدانست. چرا چنین نشد؟ عوامل بسیاری در این مورد موثر بود از جمله اگر از حقایقهای سنجاییها، بازرگانها و پنی صدرا و بسیاری از نیروهای به اصطلاح "کمی" که بگذریم، بخش اعظم این گناه را باید به پای سیاستهای معاشرت جویانه، و توجه گرانه، خیالباقی های فدائیان و مجاهدین نوشت.

"سازمان دادن کارگاههای کوچک روستائی برای جذب بیگاران روستائی و کارخانجاتن همه نیروهای مولد روستا، که جواب قانع کننده ای در عدم برخورد با مصادره زمینهای زمینداران بزرگ نیست. گسترش سطح زمینهای زیر کشت (پسندج اصلاحات ررضی اسلامی)، "احیاء و فعال نمودن اراضی قابل کشت (بند الف) - پسندج" و توسعه کشت های دست جمعی" در صورت امکان (کشت مشاعی طرح رضا صفهائی) و غیره نیز منجمول است به سئوال طرح شده در فوق و نمیه معنای "اصلاحات ررضی ریشهای".

در همین زمینه (جهد رباطه با گذشته و چه در رابطه با آینده) یک نکته بسیار مهم راهیگاه و حتی یک لحظه هم نباید فراموش کرد: خرده بورژوازی برکنار از قدرت و خرده بورژوازی در حاکمیت هیچگاه دقیقاً به یک زبان سخن نمیگوید. خاستگاه یک طبقه یا قشری از یک طبقه در حاکمیت (و در اینجا خرده بورژوازی) است که تعیین کننده است، نه "حسن نیت قبلی" و "سو نیت بعدی" و یا "حسن نیت یکی و سوء نیت دیگری. البته توازن قوای طبقاتی، سطح مبارزه ی طبقاتی جاری در جامعه و آگاهی یا عدم آگاهی طبقاتی سازگانهای کمونیستی، میتواند موضعگیریها و برنامهمخبره ای خرده بورژوازی در حاکمیت را در گروگون کند، و از یکسو به سوی دیگر سوق دهد.

● در برنا می مرحله ای "نگار تفراوان" دیگری هست که ما بعلافت ضمیمه صفحات بیان نمی پردازیم ولی اهمیت این نگار شبه هیچ مهازنگات یاد شد. کمتر نیست. از این جمله اند قومخواندن اگراد (فصل سوم بخش پنجم) و عدم خالت در مورد اخلی سایر کشورها و در عین حال حمایت از جنبشهای آزاد بیخ (فصل سوم بخش آخر)، نفی پنهان نمودن فرصت -

از طرف دیگر، وعدهها و شعارهای مدون و غیر مدون، هر قدر در زمینه مسائل روشنائی (بویژه حقوق آزاد بیهی دموکراتیک) در رخشان باشند فی نفسه چیزی را بیان نمیکند، چه بخواهیم وجه

نخواهیم . مسأله زیربنائی یک برنامه است که آخر را میزند . لااقل کمونیستها میدانند (و باید بدانند) که در یک برنامه ، قبل از هر چیز باید به برخوردان برنامه در زمینه مسائل اقتصادی توجه عمده کرد . رجوعی در برنامه " دولت موقت " بین کلاخمینی را که : " اقتصاد مال خراست ، بد رستی به مسخره می گیرد . بحث ما در اینجا بر سر آن کلام ابلیس نه یک سفیه نیست بلکه بر سر این است که جهت گیری یک برنامه در زمینه مسائل اقتصادی ، یا در راجه ناست یا بنوعی تلاش برای زنگشت به مناسبات تولیدی ما قبل سرمایه یا حرکت بسمت تکامل اجتماعی و یا احتیاجاً تلفیق هر سه اینها ، جدا قل چیزی که در زمینه مسائل اقتصادی برنامه " دولت موقت " میتواند گفت ، نبروشنی ها ابها مات وعد مسراحتها فی است که بران در این زمینه اساسی سایه انداخته است .

ترددی نیست که برنامه " دولت موقت " بارهای هد فهای مترقیان را نیز دنبال میکنند ولی متساقنه راه رسیدن به این هد فها را به تمایزش نمی گذار . در میدا بینا نه ترین حالات ، احساس گز نکرد و یا نکردن را میدهد و در خوش بینا نه ترین حالات ، آن را در میان های غلیظ (تا کیگ " ؟) پنهان شده است . و مسلماً این حسن یک برنامه نیست که قبل از هر چیز باید دقت ، صراحت ، صداقت و قاطعیت داشته و خیر اعتماد را برانگیر همه کس را بنوعی راضی کردن و هیچ کس را نرنجاندن ، در بهترین حالات ، غیر عملی و خیالی باشد . یک برنامه می پویولستی است که ما تند ما هر سه های پویولستی تاریخ ، ته " نداید و در سطح حرکت میکند و در نهایت ، به نا کجا آید می رسد .

اگر نخواهیم برنامه " دولت موقت " را در زمینه ی مسائل اقتصادی در یک عبار خلاصه کنیم ، باید بگوئیم برنامه ما بست که در آن کوشش شده تمامی طبقات و اقشار جامعه ، که بیش راضی شوند ، لااقل هیچ لایه و قشری از یک طبقه ، ناراضی نباشد . به همه کس که پیش همه چیز داد میشود و از هیچکس تفریب چیزی گرفته نشود . بنوعی باشد که همگان چشم انداز آیند را بر وضخالات با رکتونی ترجیح دهند .

نوشتن یک چنین برنامه ای در حرف البته بسیار ساد است و تماماً مسأله ای نیست که چنین برنامه ای در عمل تا چه حد قابل اجرا خواهد بود و واقعیت های سخت زمینی تا چه حد به خیالیاتی ها میدان خواهد داد ؟ چرا که هر یک از آنها وعده ای مندرج در این برنامه ، دهها میلیون و میلیاردها تومان هزینه بر میدارد . این هزینه ها از کجا و چگونه تأمین می شود ؟ بویژه ، همانطوریکه گفته شد این در حالتی است که به همه کس چیز وعده داده شود و از هیچکس چیزی گرفته نشود و مناسبات اجتماعی تغییر نکند . یک برنامه ، چه در رژیم سرمای سرمایه داری و چه در نظام سوسیالیستی ، نبروی خیالیاتیها ، ارما نخواهی ها بلکه بروی رقام و آثار و امکانات و براساس یک برنامه ریزی دقیق و همه جانبه ، بنا میشود ، و برای اینکه یک برنامه نبروی آنها نباشد ، هر یک از آنها وعده مندرج در برنامه " دولت موقت " باید دقیقاً محاسبه شود که چه تعداد از افراد آزان برخوردار

خواهند شده ، کل هزینه های آن چه مقدار خواهد بود و این هزینه ها از کجا و چگونه تأمین خواهد شد . و خصوصاً فراموش نکنیم آنچه پس از رژیم نکبت با رخمینی باقی خواهد ماند یک کشور ویران و مضعل ، یک اقتصاد کاملاً ورشکسته است و فقط ترمیم خرابیهای این رژیم شاید سالیان متعددی وقت لازم داشته باشد . ایراد اینجاست که تنظیم کنندگان برنامه بجای برخوردی واقع گرایانه ، به جای گرفتن از سرمایه داران و دادن به بی چیزان کوشش کرده اند با وعده های سخاوتمندانه همه کس دل همه را بدست بیاورند . وظیفه ی یک نیروی مترقی ، دادن وعده های غیر عملی ، تحقق ناپذیر و خیالیانه نیست (به محرومان و استثمار شونده گان همه چیز دادن ، از ثروتمندان و استثمار کنندگان چیزی نگرفتن) بلکه بیان حقایق و واقعیت هاست .

از طرف دیگر ، زیباست و بسیار زیباست که همگان (سرمایه داران ملی ، بازاریان ملی ، سرمایه گذاران ملی ، مالکان خصوصی ، زمینداران بزرگ و کارگران ، دهقانان ، تهیدستان شهری ، کارمندان و در یک کلمه ، کلیه طبقات و اقشار جامعه) به دور یک سفره ی بزرگ به نام ایران بنشینند ، یکی دستمال سفره ی نان خالی ، دیگری نان و پنیر ، دیگری قابلمه ی غذای فقیرانه ، دیگری ظرف غذای معمولی ، دیگری انواع و اقسام آشپزیه و آغذیه لذیذ را در مقابل خود قرار دهند ، هر کدام بدون اینکه به دستمال ، قابلمه ، ظرف بشقاب دیگری نگاه کند ، غذای خود را بخورد و با هم گل بگویند و گل بشنوند . در طول تاریخ در جوامع طبقاتی ، پیا پیا ، فلاسه ، شاعران ، مصلحان اجتماعی ، مردان سیاسی و غیره چند ده هزار بار چنین تصویری از برادری و اخوت را ترسیم کرده و در عالم خیال به تعطیل مبارزه طبقاتی حکم داده اند و چند ده هزار بار این رویا به شکست انجامیده است !

در تخیلی بودن بخش اساسی برنامه " دولت موقت " یعنی در زمینه ی مسائل اقتصادی و زیربنائی ، یعنی برنامه ی سازش کارو سرمایه ، با وجود صد ها نمونه تاریخی ، قیازی به غیب گویی نیست . اگر توفیقی در این راه متصور بود لااقل الان میشد یک نمونه ی موفقیت آمیز انرا در یک گوشه از جهان نشان داد . (۴)

بدریفتن " سرمایه داری و بازاری ملی " (!) ، " مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه گذاری فردی " (فصل سوم ، بخش اول ، تذکرات) و در عین حال وعده دادن " محافه رگونه ستم و استثمار " (فصل دوم ، بخش ششم) فقط خیالیاتی محض نیست بلکه به شوخی غم انگیزی شباهت دارد . تجربه ای که هزار بار آزموده شده و هزار بار شکست خورد ، است . " دولت موقت " میخواهد یکبار دیگر آزموده ها را بیازماید .

به فرد می که از رژیم وحشی و جنا بیکار خمینی چنان بجان آمدند که بخشی حتی یک کودتای دست راستی را با این رژیم ترجیح میدهند ، وعده های مربوط به حقوق و آزادیهای دموکراتیک مندرج در برنامه " دولت موقت " ، بحق خیال انگیز و زیبا است ولی چه کنیم که ما (بعنوان مارکسیست که یاد گرفته ایم روئنا را تابعی از زیربنای بدنیم) اعتقاد نداریم که آن وعده ها در چارچوب کنونی برنامه

"دولت موقت" تحقق خواهد یافت و دقیق تر اینکه دیر پا خواهد بود. آنها که به سوسیالیسم علمی اعتقاد دارند و آنها که به تجربیات فـسـراوان تاریخی مینگرند، چنین حکمی را می پذیرند. با این حال، بخاطر ارمانهای مردمی قرضها تحت ستم، آرزو میکنیم که این حکم، برای یکبار هم شده، استثنائی داشته باشد. فرانسویان ضرب المثلی دارند که میگویند "آنکه زنده می ماند، خواهد دید."

نیز یافت، چه میشود؟ باز همان شعاع معروف خمینی نه یک کلمه زیاد نه یک کلمه کم، تکرار خواهد شد؟ و باقی ماجراها که میدانیم و میدانید؟ (یک نمونه دیگر از نشانه های بدبینانه را در صفحات بعد ارائه خواهیم داد).

(۳) در آخرین بخش از فصل دوم ("و حیدر" برنامه ریزی در نظر عمل) یعنی قبل از ارائه مواد برنامه مرحله ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی (فصل سوم)، پیشاپیش هر گونه انتقاد یا عدم قبول جزئی از برنامه ای حاضر بعنوان "مثله کردن" و از جامعیت انداختن آن محکوم میشود. یعنی هر نیروی سیاسی که احتمالاً بخواهد در حول این برنامه، همکاری یا ائتلاف کند ولی انتقاداتی به آن داشته باشد و یا بر مبنای این برنامه برای رسیدن به یک فصل مشترک به بحث بنشیند، اب در هاون خواهد گویند. آقای مسعود رجوی، یکبار دیگر، تصمیم گرفته است که بگوید: همین است که هسته این "مریت" در زمانی صورت میگیرد که "دولت موقت" هنوز قدرت را بدست نگرفته است. این یکی دیگر از همان نشانه های بدبینانه است که قبلاً اشاره شد. این همان برخوردی است که رجوی در خصوص "طرح شدن به میثاق" نیز... این برخورد، غیر اصولی، غیر سازنده، ساکت رستی، خود محور، بینانه و غیر دموکراتیک است که در روند خود، بجای دیکتاتوری قرون وسطائی خمینی میتواند به دیکتاتوری دموکراتیک اسلامی منجر شود.

(۱) در اینجا و همه جا در این مقاله، تأکید از ماسته مگر اینکه تصریح شود.
(۲) نشانه های بدبینانه فراوانی در این زمینه وجود دارد. از برنامه های مرحله ای دولت موقت که در واقع برنامه ای یک دولت دائمی است که بگذریم، از جمله این نشانه ها، مصاحبه ایست که در دوین هفته ای ورود قهرمانانهای رئیس جمهور کتربنی صدر و برادر مسعود رجوی به پاریس، یکی از همسر و وطنان مبارز یا برادر مجاهد مسعود رجوی انجام داده است (گد رشمارهی - ۱ هفته نامه استقلال بجای انقلاب اسلامی در خارج از کشور، مسوره ۳۱ مرداد ۶۰ چاپ رسید. متن همین مصاحبه را بران نیز تکثیر شد). مسعود رجوی، در این مصاحبه میگوید:

با توجه به مرحله ای کنونی انقلابان جمهوری دموکراتیک اسلامی را پس از تصویب رئیس جمهور آقای بنی صدر به احتمال قریب به یقین این نام تصویب خواهد شد. به دلایل متعدد آید ثلوثیک و اجتماعی و سیاسی، هما همچون اکثریت قریب به اتفاق مردم روی حضور کلمه ای انقلابی اسلام در نام جمهوری، اصرار داریم (خمینی فیز به همان دلایل بروی همان نام اصرار داشت) و امیدواریم که هیچکس (۱) به دلایل گروهی عقیدتی خاص خود (۲) زمان انتظار صرف نظر کردن از این کلمه انقلابی را نداشته باشد.

سؤال اینست که در صورت وجود این اصرار و برخلاف این انتظار، اگر واکنش هایی در مورد این نام بوجود آمد و یا اگر مجلس موسسان این نام

(۴) لایحه بلافاصله جواب داده خواهد شد: الجزایر! بله، بله، الجزایر! کشوری که بیست سال پس از انقلاب و بدست گرفتن قدرت توسط خرد بورژوازی (مجاهدین الجزایری)، فقر و گرانی (ویژه در زمینه ایجاره خانه و مواد غذایی خصوصاً گوشت) و تورم پیدا میکند، همین امروز پیش از نیمه هزار تن از کارگران آن فقط در کشور فرانسه مورد استثمار و شدیدترین تحقیرها قرار دارند و با این حال اندوخته های ارسالی آنها به الجزایر، بخش مهمی از ارز خارجی کشور را فراهم میکند...

ایران و...

بقیه از صفحه ۸

بقیه از صفحه ۸

این حکومت خوشامان بیاید در جهت منافع آمریکا است به نقل از ایرانشهر. دوره ی سوم، شماره ی مسلسل ۱۰۳.

تایمز در سرمقاله ی اول سپتامبر ۸۱ تحت عنوان "ایران: سقوط در هرج و مرج" نوشت:

... اقتصاد تخریب شده، قحطی بیداد میکند، تورم به حد ۵۰ درصد رسیده و حدود چهار میلیون نفر بیگارند. طبقه متوسط عمده است، دهقانان در مطیقه اند، آزادی خیلی بیشتر از زمان شاه سلب میشود و اختناق بیداد میکند. وضع طور است که هیچکس ولو اینکه موافق رژیم هم باشد نمیتواند خود را از حملات بارانوبیا گونه ی کسانی که خود را حافظ انقلاب میدانند مصون بداند... بسیاری از سران ارتش از بین رفته اند، هنوز امکان دارد ارتش بتواند بخودی خود قد علم کند و

رژیم را واژگون سازد، حتی میتواند چنین ادعا کند که میخواهد اصول حقیقی اسلامی را از دست کسانی رها سازد که آنرا وارونه اجرا کرده اند. درست است که برای چنین ادعایی وجود چند اخوند نیز لازم است، اما لابد اکنون بقدر کافی اخوند ناراضی وجود دارد که بخواهند از نو آغاز کنند (ایران و جهان همان شماره) اینترنشنال هیرالد تریبون ۲۰ سپتامبر ۸۱ نوشته بود

با اینکه از سقوط شاه بیش از ۳۰ ماه میگذرد موج انقلاب ایران هنوز آرام نگرفته و ثبات نیافته است و امروز منافع آمریکا در ایران همین (ایجاد آرامش و ثبات) است. وجود یک دولت با ثبات در ایران میتواند تولید نفت را دوباره برقرار ساخته و از مرزها در مقابل همسایگان فرصت طلب دفاع کند (بنقل از نشریه "ایران و جهان" چاپ پاریس شماره ۵۳)